



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۳۴۸۰ دقیقه

نام آزمون: فارسی سوم دبستان

تاریخ آزمون: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰



شرکت توسعه انتشارات

پرش_م ۱۱

۱ هم معنی کلمات زیر را بنویس.

الف) گوش خراش:
ب) آسیب:
پ) دامنه‌ی کوه:
ت) گویا:

۲ جدول زیر را کامل کن.

کلمه	هم خانواده	حروف اصلی
کتاب و
فاعل و
علوم و
جامعه و

۳ در متن زیر از نشانه‌های نگارشی (، . ؟ ! « ») استفاده کن.

در این هنگام ○ گنجشکی بر لبه‌ی پنجره‌ی کلاس نشست و شروع به جیک‌جیک کرد ○ بچه‌ها بسیار خوش حال شدند و گفتند ○ ○ به به ○ چه صدای قشنگ و گوش‌نوازی ○ ○

۴ مخالف کلمه‌های زیر را از متن درس پیدا کن و بنویس.

گوش‌نواز ≠ افزایش ≠ سودآور ≠

۵ کلمه‌ها را به هم اضافه کن و عبارتهای مناسب بساز.

- آلودگی
- نماینده‌ی
- روزنامه
- ساختن
- کتاب‌های
- گروه
- علمی
- صوتی
- دیواری
- خانه‌ها

۶ برای اضافه کردن کلمات نشانه‌ی مناسب را انتخاب کن.

	ی / _	
زندگی		سرانجام
گذشته		سال
دوم		کلمه
خروشان		دریا
افراد		سلامتی
طولانی		گفت‌وگو





۷ جمله‌ها را به شکل گفتاری یا نوشتاری بنویس.

نوشتاری	گفتاری
.....	ما می‌تونیم آخر زمستون بریم مسافرت.
می‌خواهم به تو یک بازی جدید یاد بدهم.
.....	بذار منم باهات بیام.
همه‌ی حرف‌های تو درست هستند.
.....	ما باید درس‌مونو خوب بخونیم.

۸ جمله‌های زیر را از حالت گفتاری به نوشتاری تبدیل کن.

الف سنجاب کوچولو از لونه بیرون اومد و از این شاخه به اون شاخه پرید.

ب شهر ما مته خونه‌ی ماست، نباید اون رو کثیف کنیم؛ بلکه باید ازش محافظت کنیم.

۹ جمله‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل کن.

الف با پدر و مادرم مشورت می‌کنم.

ب من و دوستم تا مدرسه با هم

پ اسم این کتاب را می‌دانی؟

ت کتاب را به کتابخانه برگرداند.

ث رضا برای ساختن کاردستی از پدرش کمک

ج صدای سوت قطار را در ایستگاه شنیدید؟

چ آن‌ها با اتوبوس به تهران

ح مریم و مادرش صبح خیلی زود به کوه

۱۰ نشانه‌ی تشدید را در جای درست بگذار.

الف بی‌ادعا (ب) تعجب (پ) تشکر (ت) موفقیت

۱۱ درباره‌ی سعدی، شاعر بزرگ ایرانی، دو سطر بنویس.

۱۲ جدول زیر را کامل کنید.

زهره نوشت.	زهره چه چیزی را نوشت؟	
علی خواند.		علی درسش را خواند.
بچه‌ها خوردند.		
		سیما مدادش را تراشید.

۱۳ جدول زیر را کامل کنید.

هم خانواده	مخالف	مترادف
سکوت ←	آباد ≠	خرّم =
تفریح ←	ضرر ≠	پهناور =

۱۴ بند زیر را بخوان و بگو کلمات «آن‌ها و او» به چه چیزی اشاره دارند؟

حسن تنگ ماهی‌اش را برداشت و به حوض حیاط مسجد برد. آنجا پر از ماهی‌های قرمز بزرگ و کوچک بود. آن‌ها با خوشحالی به این طرف و آن طرف می‌رفتند. او تنگ را داخل حوض کرد تا ماهی‌اش بتواند از آن خارج شود و وارد حوض شود.

۱۵ زمان هریک از جملات زیر را مشخص کن.

الف () حسن امیدزاده دانش‌آموزان کلاس را نجات داد.

ب () چند سال بعد، درخت گردو بزرگ خواهد شد و میوه خواهد داد.

ج () دهقان به همراه پسرش، کشتزار را درو می‌کنند.



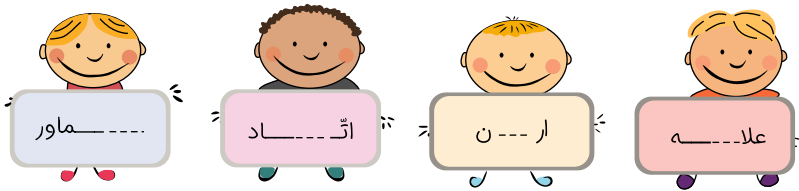
۱۶ در متن زیر از نشانه‌های نگارشی (، . ؟ ! « ») استفاده کن.

- چه پرواز هیجان‌انگیز و جالبی ○ آسمان چقدر بزرگ و بی‌نهایت بود ○ از ستاره ○ سراغ خورشید را گرفتم ○ پرسیدم آیا او خوابیده است ○ ستاره گفت ○○ خورشید هرگز نمی‌خوابد و همیشه مشغول نورافشانی است ○○

۱۷ هر کلمه را به جزء مناسب آن وصل کن.

- | | |
|----------|---------|
| • اختیار | • انگیز |
| • هیجان | • انه |
| • گوینده | • ات |
| • پسر | • ناک |
| • سپاس | • گزار |
| • تاب | • گان |

۱۸ حروف جا افتاده‌ی کلمات زیر را بنویس.



۱۹ به کلمات زیر «مند، ستان، دان» اضافه کن و کلمات جدید بساز.

- گلاب + : – کار + :
- باغ + : – دیبر + :
- شمع + : – ارزش + :

۲۰ جمله‌های حکایت زیر را به ترتیب شماره گذاری کن.

- گفت: «میخس را بکوب سر زبان من!»
- سپس از اسب پیاده شد و به این طرف و آن طرف نگاه کرد؛ ولی جایی را برای بستن اسبش پیدا نکرد.
- مرد که از آن تعارف نابه‌جا ناراحت شده بود.
- ظهر شده بود که زیر درختی نشست و ناهاری را که زنش برای او گذاشته بود بیرون آورد تا بخورد.
- مرد طبق عادت، تعارف کرد.
- پرسید: «افسار اسبم را کجا بکوبم؟»
- یک نفر پیاده از شهر به ده می‌رفت.
- ناگهان مرد اسب‌سواری از دور پیدا شد.
- مرد اسب‌سوار دعوت او را قبول کرد و ایستاد.

۲۱ املا‌ی درست کلمات را انتخاب کن.

- (مأموران، مئوران) رفتند و جایزه‌ی خوبی برایش آوردند.
- یکی بد حرف زد (مجازات، مجازات) شد.
- بسیاری از مردم (آصار، آثار) او را می‌خوانند.
- وزیر برای رسیدگی به کارها به (سراق، سراغ) او رفت.



۲۲) اجزای جمله‌ها را از هم جدا کن و در جدول قرار بده.

قسمت اول	قسمت دوم	قسمت سوم
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

- مریم کیک پخت.
- رضا توپش را برداشت.
- من رفتم.
- سحر غذا خورد.
- آهو دوید.
- خدا ما را می‌بخشد.

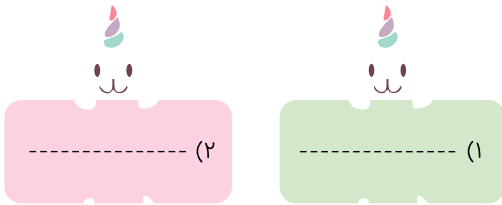
۲۳) با ترکیب کلمه‌های مناسب با هم، کلمات جدید بساز.

(مند - درد - دل - توان - خوش - پذیر - سر - رو)

۲۴) یک موضوع به دلخواه بنویس و آن را به موضوع‌های کوچک‌تر تبدیل کن.

موضوع کلی:

موضوع‌های کوچک‌تر:



۲۵) جدول زیر را مانند نمونه کامل کن.

قسمت دوم	قسمت اول	جمله
کردم	من اتاقم را مرتب	من اتاقم را مرتب کردم.
.....	او شعرهای زیبایی می‌گوید.
.....	معلم روی تخته آهوی زیبایی کشید.
.....	کودک از تاریکی می‌ترسید.
.....	پستچی بسته‌ای بزرگ به ما داد.
.....	من او را نمی‌شناسم.

۲۶) املاي درست کلمات را مشخص کن.

- ای عزیزترین (غایب، قایب)، بیا.

- باران بر بام‌های (سفالی، ثفالی) می‌بارد.

- ما از منتظران (ظهور، ضهور) حضرت مهدی (عج) هستیم.

۲۷) حروف جافتاده را بنویس.



۲۸) با ترکیب کلمات مناسب با هم، کلمات جدید بساز.

(خوش - زمین - گي - نفت - سر - خط - کش - رسیده)

۲۹) با کلمات زیر جمله‌هایی بساز که در آن‌ها یکی از ضمیرهای «من، تو، ام (م) و ات (ت)» وجود داشته باشد.

..... شمعدانی :

..... شتاب :

..... پرستار :



۳۰) زمان جمله‌های زیر را بنویس.

– ما به پدر و مادر خود احترام می‌گذاریم. (.....)

– آن‌ها در باغ بازی خواهند کرد. (.....)

– من یک جفت دستکش خریدم. (.....)

۳۱) جمله‌ها را به ترتیب شماره گذاری کن.

آن تگه استخوان را به دهان گرفت.

ناگهان عکس خودش را در آب رودخانه دید.

روزی سگی کنار رودخانه استخوانی پیدا کرد.

گمان کرد سگ دیگری در آب است.

اما تا دهانش را باز کرد، استخوان خود را از دست داد.

طمع کرد که استخوان را از او بگیرد.

۳۲) جمله‌های به هم ریخته را مرتب کن.

الف) شنای – دانش آموزی – فردا – می‌شود – برگزار – مسابقات.

ب) است – ما – برنامه‌ای – بهتر – هر – همه‌ی – داشته – کردن – برای – باشیم – روز – ورزش.

۳۳) کلمات را با نشانه‌های مناسب جمع ببند و جدول را کامل کن.

ات	گان	ان	ها	
				آشنا
				بخشنده
				مادر
				طبقه
				لباس
				دروازه بان
				نظر
				خزنده

۳۴) با مخالف کلمه‌های زیر جمله بساز.

ناراحت \neq :

مقابل \neq :

۳۵) این جمله درباره‌ی کیست؟ «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت.»

۳۶) نام دو کتاب باارزش سعدی کدام گزینه است؟

الف) بهارستان و بوستان ب) گلستان و بوستان ج) بوستان و مهستان د) گلستان و بهارستان

۳۷) من دندان دارم اما شانه دارد.

۳۸) معنی ضرب‌المثل‌های زیر را بنویس.

الف) هر چه گُنی به خود گُنی:

ب) آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک:

۳۹) معنی بیت‌های زیر را بنویس.

الف)

می‌کشد آب دامنش را نرم

بر تن پاک ماسه‌های کبود



ب

می برد لذت از نوازش آب

ساحل بی خیالِ خواب آلود

۴۰ در جای خالی، کلمه‌ی مناسب قرار بده.

الف کسی است که لباس می‌دوزد و در کار می‌کند.

ب من چشم دارم؛ اما کوه دارد.

پ دامن، لباس است.

ت حادثه‌ی یعنی حادثه‌ای که خطر دارد.



پاسخنامه تشریحی

ب) صدمه
ت) رساالف) آزاردهنده
پ) بخش شیب دار کوه

حروف اصلی	هم خانواده	کلمه
ک - ت - ب	مکتوب و کاتب	کتاب
ف - ع - ل	مفعول و فَعَال	فاعل
ع - ل - م	معلّم و تعلیم	علوم
ج - م - ع	جمعیت و مجتمع	جامعه

۳ در این هنگام، گنجشکی بر لبه‌ی پنجره‌ی کلاس نشست و شروع به جیک جیک کرد. بچه‌ها بسیار خوش حال شدند و گفتند: «به به! چه صدای قشنگ و گوش‌نوازی!»

۴ گوش‌نواز ≠ گوش‌خراش افزایش ≠ کاهش سودآور ≠ زیان‌آور

۵ آلودگی ← صوتی

نماینده‌ی ← گروه

روزنامه ← دیواری

ساختن ← خانه‌ها

کتاب‌های ← علمی

	ی / -	
زندگی	-	سرانجام
گذشته	-	سال
دوم	ی	کلمه
خروشان	ی	دریا
افراد	-	سلامتی
طولانی	ی	گفت‌وگو

نوشتاری	گفتاری
ما می‌توانیم آخر زمستان به مسافرت برویم.	ما می‌تونیم آخر زمستون بریم مسافرت.
می‌خواهم به تو یک بازی جدید یاد بدهم.	می‌خواهم بهت به بازی جدید یاد بدم.
بگذار من هم با تو بیایم.	بذار منم باهات بیام.
همه‌ی حرف‌های تو درست هستند.	همه‌ی حرفات دُرُستن.
ما باید درس‌هایمان را خوب بخوانیم.	ما باید درس‌مونو خوب بخونیم.

الف) سنجاب کوچولو از لانه بیرون آمد و از این شاخه به آن شاخه پرید.

ب) شهر ما مثل خانه‌ی ماست، نباید آن را کثیف کنیم؛ بلکه باید از آن محافظت کنیم.

الف) من با پدر و مادرم مشورت می‌کنم.

ب) من و دوستم تا مدرسه با هم دویدیم.

پ) تو اسم این کتاب را می‌دانی؟

ت) او کتاب را به کتابخانه برگرداند.

ث) رضا برای ساختن کاردستی از پدرش کمک خواست.

ج) شما صدای سوت قطار را در ایستگاه شنیدید؟

چ) آن‌ها با اتوبوس به تهران می‌آیند.

ح) مریم و مادرش صبح خیلی زود به کوه رفتند.



۱۰ الف بی‌آءا، ب تعجّب، پ تشکر، ت موقّیت

۱۱ سعدی اهل شیراز بود؛ اما بعد از دوران نوجوانی، به سفر رفت تا چیزهای بیشتری یاد بگیرد. سرانجام، بعد از سی‌وپنج سال سفر، به شیراز برگشت و دو کتاب بارزش بوستان و گلستان را نوشت.

۱۲

زهرها نوشت.	زهرها چه چیزی را نوشت؟	زهرها نامه نوشت.
علی خواند.	علی چه چیزی را خواند؟	علی درسش را خواند.
بچه‌ها خوردند.	بچه‌ها چه چیزی را خوردند؟	بچه‌ها کیک را خوردند.
سیما تراشید.	سیما چه چیزی را تراشید؟	سیما مدادش را تراشید.

۱۳

هم‌خانواده	مخالف	مترادف
سکوت ← ساکت	آباد ≠ ویران	خرم = سرسبز
تفریح ← مفرّح	ضرر ≠ سود	پهناور = وسیع

۱۴ آن‌ها: ماهی‌های قرمز، او: حسن

۱۵ الف گذشته، ب آینده، ج حال

۱۶ چه پرواز هیجان‌انگیز و جالبی! آسمان چقدر بزرگ و بی‌نهایت بود! از ستاره، سراغ خورشید را گرفتیم. پرسیدم آیا او خوابیده است؟ ستاره گفت: «خورشید هرگز نمی‌خوابد و همیشه مشغول نورافشانی است.»

۱۷ اختیار ← ات

هیجان ← انگیز

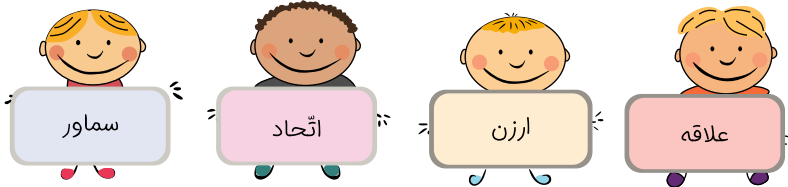
گوینده ← گان

پسر ← انه

سپاس ← گزار

تاب ← ناک

۱۸



۱۹ گلاب + دان = گلابدان کار + مند = کارمند باغ + ستان = باغستان

دبیر + ستان = دبیرستان شمع + دان = شمعدان ارزش + مند = ارزشمند

۲۰ ۱) یک نفر پیاده از شهر به ده می‌رفت. ۲) ظهر شده بود که زیر درختی نشست و ناهاری را که زنش برای او گذاشته بود بیرون آورد تا بخورد. ۳) ناگهان مرد اسب‌سواری از دور پیدا

شد. ۴) مرد طبق عادت، تعارف کرد. ۵) مرد اسب‌سوار دعوت او را قبول کرد و ایستاد. ۶) سپس از اسب پیاده شد و به این طرف و آن طرف نگاه کرد؛ ولی جایی را برای بستن اسبش پیدا نکرد.

۷) پرسید: «افسار اسبم را کجا بکویم؟» ۸) مرد که از آن تعارف نابه‌جا ناراحت شده بود. ۹) گفت: «میخشد را بکوب سر زبان من!»

۲۱ (مأموران) رفتند و جایزه‌ی خوبی برایش آوردند.

یکی بد حرف زد (مجازات) شد.

بسیاری از مردم (آثار) او را می‌خوانند.

وزیر برای رسیدگی به کارها به (سراغ) او رفت.

۲۲

- مریم کیک پخت.

- رضا توپش را برداشت.

- من رفتم.

- سحر غذا خورد.

- آهو دوید.

- خدا ما را می‌بخشد.

قسمت سوم	قسمت دوم	قسمت اول
پخت	کیک	مریم
برداشت	توپش	رضا
رفتم	-	من
خورد	غذا	سحر
دوید	-	آهو
می‌بخشد	ما	خدا

۲۳ توانمند / سردرد / دلپذیر / خوش‌رو.

۲۴ موضوع کلی: عبادت کردن



روزه گرفتن (۲)



دعا و نیایش (۱)

۲۵

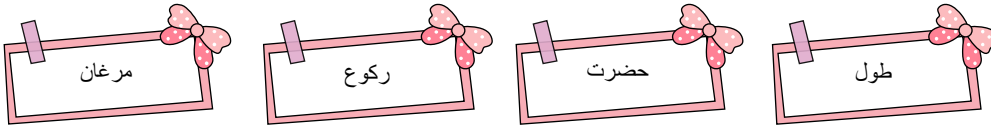
قسمت دوم	قسمت اول	جمله
کردم	من اتاقم را مرتب	من اتاقم را مرتب کردم.
می گوید	او شعرهای زیبایی	او شعرهای زیبایی می گوید.
کشید	معلم روی تخته آهوی زیبایی	معلم روی تخته آهوی زیبایی کشید.
می ترسید	کودک از تاریکی	کودک از تاریکی می ترسید.
داد	پستیچی بسته ای بزرگ به ما	پستیچی بسته ای بزرگ به ما داد.
نمی شناسم	من او را	من او را نمی شناسم.

۲۶ ای عزیزترین (غایب)، بیا.

باران بر بامهای (سفالی) می بارد.

ما از منتظران (ظهور) حضرت مهدی (عج) هستیم.

۲۷



۲۸ خوش خط / سرزمین / رسیدگی / نفت کش.

۲۹ شمعدانی: شمعدانی را روی طاقچه ای اتاقت گذاشتم.

شتاب: پرنده ام با شتاب از قفس پرید.

پرستار: من پرستار تو هستم.

۳۰ ما به پدر و مادر خود احترام می گذاریم. (حال)

آن ها در باغ بازی خواهند کرد. (آینده)

من یک جفت دستکش خریدم. (گذشته)

۳۱ ۱ روزی سگی کنار رودخانه استخوانی پیدا کرد.

۲ آن تگه استخوان را به دهان گرفت.

۳ ناگهان عکس خودش را در آب رودخانه دید.

۴ گمان کرد سگ دیگری در آب است.

۵ طمع کرد که استخوان را از او بگیرد.

۶ اما تا دهانش را باز کرد، استخوان خود را از دست داد.

۳۲ الف) فردا مسابقات شنای دانش آموزی برگزار می شود.

ب) بهتر است همه ی ما، هر روز برنامه ای برای ورزش کردن داشته باشیم.

۳۳

ات	گان	ان	ها	
-	-	آشنایان	آشناها	آشنا
-	بخشندگان	-	بخشنده ها	بخشنده
-	-	مادران	مادرها	مادر
طبقات	-	-	طبقه ها	طبقه
-	-	-	لباس ها	لباس
-	-	دروازه بانان	دروازه بان ها	دروازه بان
نظرات	-	-	نظرها	نظر
-	خزندگان	-	خزنده ها	خزنده

۳۴ ناراحت \neq خوشحال: بچه ها از آمدن معلم شان خوشحال بودند.مقابل \neq پشت سر: سربازها پشت سر فرمانده ایستادند.

۳۵ این جمله را امام خمینی بعد از شهادت شهید حسین فهمیده گفتند.



۳۶ گزینه‌ی «ب»

۳۷ دندان

۳۸

الف

هر کاری، خوب یا بد، که انسان انجام می‌دهد، نتیجه‌ی آن به خودش برمی‌گردد.

ب کاری که دو تا رییس داشته باشد خوب از آب در نمی‌آید.

۳۹

الف

دریا مانند دختری زیبا است که در ساحل قدم می‌زند و دامنش بر ماسه‌های ساحلی کشیده می‌شود.

ب

آب دریا و ساحل هر دو مثل انسان هستند. آب که به ساحل می‌خورد انگار ساحل را که آرام و بی‌خیال است نوازش می‌دهد.

۴۰

الف خیاط - خیاطی

ب چشمه

پ زنانه

ت خطرناک